

یادی از محمدتقی دانش‌پژوه*

ایرج افشار

محمدتقی دانش‌پژوه (۱۲۹۰ آمل - ۱۳۷۵ تهران)، نخست به اسلوب طالب علمان نزد پدر و استادان مدارس قدیم در آمل و قم و تهران تحصیل کرد (تفصیل جامع و خواندنی در آن باره را خود او نوشته و در *راهنمای کتاب*، ج ۱۸، ۱۳۵۴، چاپ شده است). پس از آن به تحصیل دانشگاهی روی آورد و چون دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران را به پایان برد کار دبیری را پیش گرفت. اما به مناسبت آنکه دلبسته کتاب و پژوهش بود به خدمت کتابداری دانشکده حقوق درآمد و نزدیک بیست و پنج سال، با عنوان معاون کتابخانه، بی‌هیچ وقفه، بدان کار پرداخت و در خلال آن کار گران، به مناسبت آنکه شادروان سید محمد مشکوة مجموعه ارزشمند نسخه‌های خطی گردآورده خود را به دانشگاه تهران اهدا کرد و با این مجموعه شالوده تأسیس و نام‌گذاری کتابخانه مرکزی دانشگاه گذاشته شد، فهرست‌نویسی و، پس از چندی، ریاست این کتابخانه تازه‌بنیاد به دانش‌پژوه واگذار شد و او تا سال ۱۳۴۱ به این خدمت ادامه داد. چون در سال ۱۳۴۸ به دانشیاری دانشکده الهیات و معارف اسلامی برگزیده شد، از معاونت

*. نامه فرهنگستان، ۳/۲، صص ۵ تا ۱۴.

کتابخانه دانشکده حقوق کناره گرفت و یکسره به آموزش و، بیش از آن، به پژوهش پرداخت. اما، چون کتابداری دانشگاه می‌بایست از گنجینه فضایل و خزانه اطلاعات او بهره‌ور باشد، به درخواست کتابخانه مرکزی از رئیس وقت دانشگاه، عنوان مشاور علمی کتابخانه به او داده شد که تا اواخر عمر، چه موظف و چه غیرموظف، این خدمت گرانقدر را انجام می‌داد.

اگر پرسیده شود که دانش‌پژوه در زمینه کتابداری چه کرد، باید گفته شود که کوشش اساسی و جهانی او فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی است که اهم آنها فهرست‌های کتابخانه‌های مرکزی، حقوق، ادبیات، مجلس شورا و سنای پیشین)، سپهسالار (با همکاری علینقی منزوی)، ملک (با همکاری احمد منزوی و دکتر حجتی)، آستانه قم، لس‌آنجلس و کتابخانه مجتبی مینوی است. دو دیگر مجموعه‌سازی کتابهای پژوهشی در زمینه تحقیقات ایران‌شناسی و متون و مباحث اسلامی در دانشکده حقوق است که دامنه آن به بررسی و برگزیدن نسخه‌های خطی برای مجموعه‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه و کتابخانه‌های مجلس شورا و سنای پیشین و همچنین بعضی از کتابخانه‌های شهرستان‌ها کشیده بود و خزاین خطی این کتابخانه‌ها از بینش و دانش ایشان بهره بسیار یافته است و جملگی استفاده‌کنندگان از آنها مرهون علایق او خواهند بود.

دانش‌پژوه از حدود سال ۱۳۳۵ عضویت و همکاری در انجمن دوستداران کتاب، کمیته ملی کتابشناسی، کمیته ملی تأسیس بایگانی کشور، انجمن فلسفه و علوم انسانی، کنگره تحقیقات ایرانی، مجله راهنمای کتاب، انجمن تاریخ و طب و علوم، شورای ارزشیابی نسخه‌های خطی کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه و شورا و سنای پیشین و چندین مجمع علمی دیگر را پذیرفته بود و، با شور و

علاقه‌مندی، در اکثر مجامع علمی و کنگره‌های ایران‌شناسی و جلساتی که مربوط به فرهنگ و ادب و تاریخ ایران بود شرکت می‌کرد. جز این، در چندین کنگره و مجمع علمی در کشورهای افغانستان، پاکستان، ازبکستان، پاریس، سخنرانیهای ابتکاری تحقیقی عرضه کرد.

سفرهای اساسی و عمده دانش‌پژوه، چه در درون کشور و چه در کشورهای دیگر، بیشتر برای دیدن و یافتن و میکروفیلم گرفتن از نسخه‌های خطی بود. خستگی راههای دراز و دشواری‌های بسیار را به جان و دل می‌خرید تا بتواند چند نسخه تازه‌یاب یا ناشناخته را بشناسد و بی‌درنگ بشناساند و یا به چاپ برساند. به افغانستان، شوروی پیشین (مسکو و پترزبورگ و دوشنبه و تاشکند و باکو)، آلمان، هلند، آمریکا و فرانسه و چین رفت و ارمغان‌های ارزشمند از هریک از آنها آورد و منظم‌اً مشخصات و کیفیات نسخه‌ها را در مجله‌ها و بیشتر در نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی، که خود از پایه‌گذارانش بود، فهرست‌وار یا به تفصیل کتاب‌شناسانه منتشر ساخت. این‌گونه کارهای او یادگارنامه سفرها و دربر گیرنده بسیاری آگاهی‌های دست‌یاب شده‌ای است که نخستین بار او یادآور آنها شده است. نمونه را باید فهرستی دانست که از نسخه‌های خطی کتابخانه پژوهشی دانشگاه لس‌آنجلس نوشت و آن فهرست امروزه اساس کار هر محقق است که در آن کتابخانه به مجموعه نسخه‌های خطی می‌نگرد.

اغراق نیست اگر گفته شود که دانش‌پژوه رقمی نزدیک به صد هزار نسخه خطی را یک به یک دیده و بررسی کرده و آنها را که شایسته معرفی دانسته در مقاله‌ها و فهرست‌ها و مقدمه‌های خود بی‌تابانه شناسانده است. نگاهی به دوره

چهار جلدی کتاب بررسی نسخه‌های خطی اسلامی^۱ که به همت مؤسسه «الفرقان» انتشار یافته، گویای میزان و میدان کار و اهمیت پژوهش‌های یک‌تنه دانش‌پژوه در زمینه و پهنه نسخه‌های خطی پراکنده در جهان است.

دانش‌پژوه در سراسر جهان خاورشناسی اسلامی، به‌مناسبت این رشته دراز از کار، شناخته و نام‌آور است. بی‌هیچ تردیدی توان گفت که بیش از هر فهرست‌نویسی فهرست‌نگاری تحقیقی، تحلیلی و تفصیلی کرده است. جلد سوم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نمونه روشن و گویاست از آنچه عرض شد. تصورم بر آن است که انجمن آسیایی فرانسه به مناسبت همین خدمت والاست که او را به عضویت افتخاری خود برگزید.

دانش‌پژوه، از گذرگاه فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی و استمرار تجربه در این راه، توانست گام فراتری بردارد و دامنه رسیدگی و پژوهش را به رشته کتابشناسی و ارتباط سلسله‌ای میان کتابهای هم‌موضوع بکشانند و، درحقیقت، عنایتی درخورد توجه به تاریخ علوم داشته باشد. پژوهش‌های کتاب‌شناسانه او در فقه فارسی (فهرستی مستقل در آن باره دارد)، موسیقی (فهرستی مستقل در آن باره دارد)، فلسفه و منطق (که در مقدمه چند کتاب بدان پرداخته، ازجمله مقدمه مفصل ترجمه فارسی *نزهة الارواح* شهرزوری)، اخلاق و سیاست (هم مقاله‌ای و هم در مقدمه چند کتابی که در این موضوع منتشر کرده)، کتابشناسی فرق و ادیان در فرهنگ ایران‌زمین (دوازدهم)، دایرة المعارف‌ها و اقسام علوم، ترسّلات و منشآت، هنر نقاشی کتاب‌پردازی (مقاله مهم «گنجور») یک‌یک حاکی تام از پهنای دانش و توانایی‌های او در آن زمینه‌هاست. هریک از کتابشناسی‌ها یا

1) *World Survey of Islamic Manuscripts*, Edited by G. Ropper, London, Al-Furqan Islamic Heritage Foundation, 4 vol. 1992-1994.

معرفی‌نامه‌های او «کتابی دستی» برای هر دانش‌دوستی است که در یکی از این رشته‌ها به تجسس و تفحص می‌پردازد. همه آموزنده است و پر از نکته‌های تازه. دانش‌پژوه، پیش از این که به فهرستن‌نگاری نسخه‌های خطی کتابخانه اهدایی سیدمحمد مشکوة پردازد و با گنجینه دریاوار نسخه‌ها آشنایی بگیرد، کار علمی را با نگاشتن چند مقاله در موضوع و مباحث فلسفی و منطقی و کلامی در مجله‌های جلوه، دانش‌نامه، مهر، دانش و ترجمه کردن دو متن *النکت الاعتقادیة* شیخ مفید و *مصادقة الاخوان* شیخ صدوق آغاز کرد. اما، چون به خزانه پرترايف نسخه‌ها درافتاد که هریک در موضوعی از علوم بود، به‌تدریج با رشته‌های متنوع دیگر آشنایی گرفت و در پی هریک که نمی‌شناخت به تجسس و کنجکاوای دست زد و دایرة المعارف‌گونه به سوابق مربوط به هر رشته و متون موجود در آن رشته پرداخت. او ناچار از آن بود که مخصوصاً به فهرست‌های نسخه‌های خطی لندن و برلن و پاریس و پترزبورگ و وین و پتنه و بهار و آصفیه و مدرس و قاهره و جز اینها بنگرد و دریابد که برجستگان و پیشگامان چه کرده‌اند و چه گفته‌اند. توفیق او در این مرحله مدیون آن بود که منظمأ از دیده‌ها و خوانده‌ها یادداشت‌برداری می‌کرد و هریک را در جای خود می‌گذاشت.

دانش‌پژوه از این راه روشمند بود که گرایشی سخت به تصحیح و نشر متون ناب فارسی و نسخه‌های تازه‌یاب پیدا کرد و در این کوشش باارزش، متون متعدد مفصل (کتاب) را به چاپ رسانید که اغلب آنها ناشناخته بود و اول‌بار به چاپ می‌رسید. هم‌چنین نزدیک به یک‌صد رساله کوتاه تصحیح و چاپ کرد که هریک از آنها در جهان تحقیقات ایرانی و اسلامی از تازگی و بدعت نام و نشان

دارد. اگر متنی چاپ شده را به چاپ نوینی رسانید برای آن بود که نسخه‌ای تازه‌گون از متن به دستش افتاده بود که بر چاپ پیشینه برتری داشت ازجمله همین روزها بیان/لادیان به تصحیح او، که از چاپ مرحوم عباس اقبال بابی بیش دارد، منتشر خواهد شد. سوانح/الفکار رشیدی هم به همین منوال تجدید چاپ شده است.

با نگاهی اجمالی به متن‌هایی که او چاپ کرده است روشن‌تر می‌توانم نشان بدهم که او به چند رشته از علم کمک کرده است و به کدام دسته از آنها پیوستگی بیشتری داشته است.

نخستین گامی که در راه تصحیح و نشر متون برداشت هم‌زمان و به مناسبت تشکیل کنگره خواجه نصیرالدین طوسی در سال ۱۳۳۵ بود که با شوری بسیار به تهیه و نشر شش رساله کوتاه از آن دانشمند توفیق یافت. ازجمله رساله معینیه در هیئت و شرح مشکلات آن را به چاپ عکسی رسانید. علاقمندی او به نشر متون علمی فارسی از این روی بود که می‌خواست توانایی زبان فارسی و خدمات علمی دانشمندان قلمرو ایران کهن را به خاورشناسانی که در آن کنگره شرکت می‌کردند بشناساند. در همان سال‌ها، کشش عجیب به رسایل/اخوان/الصفاء داشت و مخصوصاً به گردآوری نسخه‌های ترجمه آن رسایل اهتمام می‌کرد که مگر آن را به چاپ برساند، تا اینکه، چهل سال بعد، مجمل/الحکمه، ماهی پیش از درگذشت او، به چاپ رسید و انتشار یافت. دانش‌پژوه، چون در علم منطق توغل کرده بود، توجهی ژرف به ریاضی و نجوم و علوم طبیعی داشت و غالباً توصیه می‌کرد که باید متون ریاضی (حساب و هیئت و نجوم) را چاپ کرد. به همین ملاحظات بود که گرایش ژرف و راستین به تصحیح و نشر کتاب‌های چند

دانشی (دایرة المعارف گونه) پیدا کرده بود. بحرالفوائد، یواقیت‌العلوم، نوادرالتبادر و مجمل‌الحکمه چهار متنی است که بخش‌هایی از آنها به آن علوم اختصاص دارد و هر چهار به اهتمام دانش‌پژوه نشر شد. جز آنها باید از دو رساله، یکی به نام الرسالة السنجریه نوشته ابن سهلان ساوی و دیگری از شرف‌الدین مسعودی، که هر دو در معرفت آثار علوی و از متون نخستین فارسی در طبیعیات سماوی است، یاد کرد. دانش‌پژوه از محمدبن زکریای رازی متن عربی سرالاسرار را چاپ کرده است. شرح مشکلات اقلیدس نگاشته ابونصر فارابی از دیگر متون علمی است که به دست او تصحیح و طبع شده است در پزشکی، یکی دو متن کتاب است از ده کتاب ذخیره خوارزمشاهی به فارسی که به کمک او منتشر شد و دیگر متن عربی مفتاح‌الطب تألیف ابن‌هندو است (با همکاری دکتر مهدی محقق). برای او تفکر مؤلفان اسلامی در چگونگی تقسیم علوم اهمیت داشت و کتب مشهور در این مبحث را به دقت خوانده بود و خود دو رساله ناشناخته الرسالة الشرفیه تألیف ابوعلی سلماسی و اصناف‌العلوم ابوسهل عیسی مسیحی را به چاپ رسانید و در مقدمه‌های پرفایده‌ای که بر آنها نوشت به اهمیت مسئله تقسیم علوم پرداخت. حاصل کوششهای دانش‌پژوه، اعم از آنچه به دست او نشر شد و یا آنچه در فهرست‌ها به وسیله او به دیگران شناسانیده شد، موجب آن شد که رشدی راشد استاد نام‌آور تاریخ ریاضیات اسلامی، مقاله‌ای را که درباره ریاضی ملامحمد باقر یزدی نوشت با افتخار به نام دانش‌پژوه مصدر و به او اهدا کرد.

در زمینه کلام و فقه و معارف اسلامی، مخصوصاً از لحاظ تاریخ ادیان و ملل و نحل، متن‌های متعددی به همت او انتشار یافت. در فقه، ترجمه‌های کهن

فارسی نهاییه شیخ طوسی، مختصر نافع محقق حلی، معتقد/امامیه از مؤلف ناشناس، و شرایع الاسلام را در دسترس گذارد و، در کلام و اخبار، شرح فارسی شهاب الاخبار، ترجمه ملل و نحل محمد بن زکریای رازی، رساله های امامت و فصول خواجه نصیر و چهار رساله دیگر او در مباحث کلامی، الکشف عن مناهج اصناف الخوارج صاحب بن عباد، مجدول عترت نبی از نظام الدین شامی، رساله توحید یعقوب بن موسی منطرب، اثبات واجب خفری، فصول رشیدالدین میبدی، را منتشر کرد. در تاریخ ادیان و مذاهب، دو رساله در هفتاد و دو گروه و یک رساله درباره هفتاد و سه گروه (از عبدالواحد کرمانی) و رساله بیان المذاهب والفرق و باب گمشده ای از بیان الادیان را منتشر ساخت. تمام متن بیان الادیان، چنان که پیش از این اشارف رفت، براساس نسخه ای تازه یاب، که هم به تصحیح او با همکاری قدرت الله پیشنهاد شده است، در همین ایام پدیدار خواهد شد. معارج نهج البلاغه هم از زمره متن های مرتبط به معارف اسلامی است که به کوشش او نشر شد. چند رساله هم در علم رجال و مشیخه چاپ کرد به نامهای مشایخ الشیعه اردکانی، دو مشیخه زیدی، تاریخ مشاهیر امامیه از رضی قزوینی و دو رساله گمنام و بی نام در رجال.

دانش پژوه در زمینه فلسفه و منطق دلبسته تر نسبت به دانش های دیگر پژوهش می کرد. اشراف و احاطه او در این رشته با خواندن مقدمه ای که بر ترجمه فارسی نزهة الارواح شهرزوری نوشت و متن آن را با همکاری محمد سرور مولایی چاپ کرده است نیک مشهود می شود. بنده ادعا می کنم که هنوز در کتابشناسی مآخذ اسلامی فلسفه رسالتی بدین گستردگی و گران قدری در زبان فارسی نوشته نشده است.

تصحیح متن عربی *النجاة* ابن سینا از کارهای عمده اوست. وی ترجمه پیشینه *التحصیل* بهمنیار را، که جام جهان‌نما نام دارد، به همکاری شیخ عبدالله نورانی چاپ کرد. *حیات النفوس* ریزی در حکمت اشراق، *منطق ابن مقفع*، و *منطق ابن بهریز*، *الاقطاب القطبیة* عبدالقاهر اهری، *جامع الحکمة* بابا افضل مرقی، *تبصره ابن سهلان ساوی* و دو رساله منطقی منضم بدان، *رسایل منطقی ابونصر فارابی* (در سه جلد ضخیم به نام *المنطقیات*)، رساله‌های رشید وطواط و غیلانی در منطق و ردّ منطق، دو رساله در منطق از اثیر ابهری، *المبادئ والرئوس العشره لتعلم الفلسفه* از ابن الطیب بغدادی و *رساله فی التعقیب الموضع الجدلی* از ابن سینا، همه از متن‌ها و رساله‌هایی است که دانش‌پژوه یکایک را از گوشه و کنار کتابخانه‌ها می‌یافت و چاپ می‌کرد و این‌همه را انجام می‌داد که مگر روزی بتواند خود تاریخ منطق بنویسد. ده‌ها کتاب به زبان‌های فرانسه و انگلیسی و آلمانی و عربی را گرد آورده و در خواندن گرفته بود که مگر بدان مقصود نایل شود. از رساله‌های نایابی که یافت و چاپ کرد یکی هم *ذکر الحکماء اليونانیین والملیین* از شمار رسایل فلسفی و احوال فلاسفه است که به دست او چاپ شد. همچنین که رساله‌ای فارسی به نام *سرگذشت‌نامه ارسطو* در مباحث فلسفی، رساله‌هایی هم از ابن سینا چاپ کرده است. *بستان‌العقول*، تصنیف محمد زنگی بخاری، هم به اعتباری صبغه فلسفی دارد که در تصحیح آن کوشش کرد.

در زمینه اخلاق و سیاست (اعم از تدبیر منزل و سیاست مدن) چندین کتاب ارزشمند برای نخستین بار به همت بلند او انتشار یافت، مانند *اخلاق محتشمی خواجه نصیر* (همراه سه رساله از دیگران)، ترجمه فارسی *جاودان خرد*، *حدایق‌السیر* ابوعلی سلماسی، *مکارم‌الاخلاق* رضی الدین نیشابوری، *گشایش‌نامه*،

تحفه (هر دو مجهول المؤلف)، تحفة الملوک غزالی، الرسالة السیاسة سلماسی، دو رساله در اخلاق از مؤلف شروق الانوار، ترجمه فارسی فرمان مالک / شتر از آوی. آخرین کتاب او در این زمینه ترجمه فارسی الاحکام السلطانیة ماوردی است که با همکاری چنگیز پهلوان فراهم آمده است و جلد اول آن بزودی منتشر خواهد شد.

در زمینه عرفان و تصوف (و رد آن)، دانش پژوه متونی را تصحیح و چاپ کرده است که روزبهان نامه (مجموعه چند متن در مقامات و آثار روزبهان بقلی) اشهر از همه است. دیگر آثار درویش محمد طبسی (عصر تیموری)، کسراصنام الجاهلیة از ملاصدرا، و رساله های محاکمه متصوفه، در شرح «کنت کنزاً مخفیاً»، سلسله الاولیاء، الاحادیث الاربعین عرفا برشمرده است. باید عرض کنم که متن مقامات بایزید بسطامی را هم به درخواست شهریار عدل در دست تصحیح گرفت که می باید به چاپ برسد.

در زمینه متون تاریخ، کار خود را با تاریخ اسماعیلیه و باطنیه و نزاریه آغاز کرد و بخش های مرتبط با آن فرق را از دو کتاب مشهور جامع التواریخ و زبدة التواریخ، با دو ذیل جداگانه، در دو مجلد جدا، به چاپ رسانید. چاپ کتاب وزارت در عهد سلاجقه تألیف عباس اقبال را هم در همان اوقات به همکاری یحیی ذکاء به پایان برد. سوانح الافکار (مکتوبات رشیدالدین فضل الله) را به چاپ نوینی رسانید که مرجحاتی بر چاپ پیشین محمد شفیع لاهوری دارد. شوکت نامه، سال شمار تاریخ ایران (مندرج در مجله تاریخ) نامه های ابزری و فسایی و بسیاری از وقف نامه ها و اسناد و مدارک متفرق (مانند اسناد نیاک) که مقاله، مقاله در مجله ها و نشریه ها چاپ کرده است، نموداری است روشن از

اهمیتی که برای تاریخ ایران قایل بود و روشن شدن گوشه‌های مکتوم آن را براساس اسناد و مدارک چاپ نشده لازم می‌دانست. دو کتاب مهمی که در تاریخ به تصحیح او شناخته شد یکی *تاریخ‌الوزرای قمی* است به زبان فارسی، که در نوع خود کم‌نظیر و متنی است ممتاز از لحاظ ادبی و تاریخی مشحون بر امثال و تعابیر فارسی؛ دیگری، که به زبان عربی است و از آخرین کارهای دانش‌پژوه، *نهایة‌الارب فی اخبارالفرس والعرب* نام دارد که برای تاریخ ایران پیش از اسلام دارای اعتبار زیادی است.

در زمینه آنچه به تاریخ فرهنگی و مدنی (Kulturgeschichte) به اصطلاح آلمانی) مرتبط است و هر گوشه از آن به نوعی با جامعه‌شناسی پیوستگی می‌یابد، دانش‌پژوه خدماتی انجام داده و متونی را چاپ کرده است که نباید از یاد برد. از آن‌شمار است *جامع‌الهدایه* در کمانداری از نظام بیهقی، دو رساله در عطرشناسی و عطرسازی، رساله‌ای در موسیقی از محمد نیشابوری، *طاووس‌خانه اصفهان*، دو رساله در رنگ کردن کاغذ، *قانون‌الصور* در نقاشی، معرفی جنگ‌ها و سفینه‌ها و مرقع‌ها، *دستورالملوک رفیعا*، *هدایة‌التصدیق فضل‌الله خنجی* در حریق مدینه و مقاله‌های بسیار دیگر.

نظر عاطفی دانش‌پژوه بی‌هیچ وقفه و خدشه‌ای همواره متوجه گسترش زبان فارسی بود. او بیش و پیش از هرچیز در انتشار متون پیشین بر این نیت بود که از راه نشر متن‌های کهن بر غنای زبان فارسی افزوده شود. او می‌گفت و معتقد بود که از واژه‌های مصطلح و متداول در متون پیشینیان می‌توان کلمه‌هایی را یافت که شاید در مفاهیم علمی و فرهنگی و مدنی جدید به‌کار بردنی باشد. دل‌سپرده‌ای راستین بدین کار بود. عضویت در فرهنگستان زبان و ادب فارسی را راهی به

رسیدن به نیت و امید بلند خود می‌دانست و از هیچ گفته و کوشش دریغ نمی‌کرد. همه می‌دانیم که او می‌کوشید تا نوشته‌هایش به اندازه توان و امکان به واژه‌های پارسی و به گفته دری آراسته باشد.

دانش‌پژوه با انتشار چهل پنجاه کتاب و چهل پنجاه فهرست و نزدیک به چهارصد مقاله، بسیاری از مشاهیر را بهتر و بیشتر از پیش به ما شناساند و هم ما را با نام و نوشته بسیاری از ناشناختگان و فراموش‌شدگان آشنا ساخت که پیش از او یادی از آنها در نوشته‌ها و ادبیات ما نبود.

در این نوشته، به همه نوشته‌ها و مقاله‌های دانش‌پژوه اشاره نشده است. فهرست نوشته‌های او خود نیازمند به سیاهه‌ای دراز و جداگانه است. برای کارهای او تا سال ۱۳۵۸ فهرستی تهیه کردم که در راهنمای کتاب سال ۱۸ چاپ شده است و عنایت‌الله مجیدی و قدرت پیشنهادزاده دنباله آن را فراهم کرده‌اند که باید امیدوار بود هرچه زودتر در دفتری خاص به چاپ برسد.